

اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی

امید رضائی

شناسایی آن در سال ۱۹۷۰ تا امروز همواره مورد اهتمام محققان ایرانی و اروپایی بوده است. کتاب هرمان تصحیح، ترجمه و پژوهش ۲۸ سند دیوانی دوره مغول است. اما کتاب شیخ‌الحکمایی فهرست ۷۱۱ فقره سند دیوانی و شرعی و ریز اموال است. نامگذاری اسناد در هر فهرستی موضوع قابل توجهی است. نامگذاری اسناد نشان می‌دهد شیخ‌الحکمایی در نامگذاری اسناد دیوانی به کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی جهانگیر قائم مقامی بی‌اعتنا بوده است. وی سعی کرده است در این فهرست روش جدیدی ارائه دهد و در این باره به اختصار نوشته است:

«... در بسیاری از اسناد، مقدمه‌ای در ملکیت و یا مؤخره‌ای در اقرار دیده می‌شود. یا مثلاً موضوع یک سند دیوانی، هبه، مبیعه و یا وقف است. بنابراین نامی که در کنار نوع سند نوشته شده، براساس مضمون اصلی سند انتخاب شده است. برای مثال «سند دیوانی» عنوان عامی برای یرلیغ، فرمان، نشان، حکم و غیره است.» (صص بیست و پنج و بیست و هشت)

این جملات دارای وضوح کافی نیست. فقط می‌توان دریافت که شیخ‌الحکمایی هرگاه به یرلیغ، فرمان، نشان و حکم رسیده از تعبیر «اسناد دیوانی» استفاده کرده است. ولی چرا در مواردی که مضمون اصلی سند بیع، رهن، اجاره بوده از تعبیر «سند مالی» یا «سند حقوقی» یا «سند شرعی» استفاده نکرده است؟ غیر تخصصی بودن و ناکارآمدی راه حل یا راهکار او وقتی به خوبی آشکار می‌گردد که به گرداب موضوعات افتاده است. منظور این است که عوامل مختلفی شامل مقام صادرکننده سند، فرم سند و محتوا را در هم آمیخته و ترکیبات و اسامی بکری خلق کرده است: «وقف دیوانی»، «دیوانی قضایی»، «نامه دیوانی». (صص ۲۹۹ - ۲۸۴)

یکی از ویژگی‌های اسناد دیوانی مغولی درج‌کردن محل صدور آن‌هاست که در این فهرست مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به کار هرمان می‌تواند محل صدور برخی از این اسناد چنین معرفی نمود:

سند ردیف ۴۳۸: سه گنبدان (هرمان: ص ۴۷)، سند ردیف ۴۲۲: دالان قودوغ (هرمان، سند ۵: صص ۷۴-۷۳)، سند ردیف ۴۴۷: سلطانیه (هرمان، سند ۱۳: صص ۱۱۵-۱۱۴)، سند ردیف ۴۴۹: جوی

فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی. عمادالدین شیخ‌الحکمایی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷. ۳۴۷ ص.

محقق آلمانی، گ. هرمان در سال ۲۰۰۳ م / ۱۳۸۳ خ کتابی با نام اسناد ایرانی عصر مغول^۱ منتشر کرد. این کتاب در همان سال توسط استاد ایرج افشار معرفی و بررسی گردید و پیشنهادهایی درباره قرائت برخی کلمات ارائه شد.^۲ دو سال بعد عمادالدین شیخ‌الحکمایی فهرستی را با نام «اسناد دیوانی بقعه شیخ صفی»^۳ به صورت یک مقاله ارائه نمود. این اسناد دیوانی در کتاب اخیر شیخ‌الحکمایی با نام فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی هم ارائه شده است. این کتاب در سلسله انتشارات «کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس» منتشر گردیده است. مشخصات ظاهری این فهرست عبارت است از: یک مقدمهٔ چهل صفحه‌ای، ۱۷۳ صفحه فهرست، ۱۲۶ صفحه نمایه و ۸ صفحه تصویر.

با وجود آن‌که اثر هرمان پیش از کارهای شیخ‌الحکمایی به بازار عرضه شده است، اما او به آن نپرداخته و آن را ارزیابی نکرده است. البته شیخ‌الحکمایی در مقدمهٔ کتابش اصرار دارد خوانندگان قبول کنند که این کتاب باید در سال ۱۳۸۲ منتشر می‌شده است، از این رو بی‌اعتنایی به کار هرمان را می‌توان تعدی محسوب نمود. خصوصاً در ضمن یک پانویس هم اعلام داشته که بازنگاری اسناد دیوانی را که عمدتاً به خط تعلیق است تمام کرده و امیدوار است امکان انتشار آن به زودی فراهم گردد (ص شانزده). مضافاً که نگاهی به ذیل «اهم آثار فارسی دربارهٔ اسناد بقعه» هم مبین همین موضوع است. حال آن‌که وی دو مقالهٔ خود را که در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ منتشر نموده، در این جا معرفی کرده است. در حالی که در مورد دوازده سند دورهٔ صفوی که سیدجمال ترابی طباطبایی در یک جزوهٔ داخلی منتشر کرده لازم دانسته است به خوانندگان متذکر گردد که چند فقره از آن اسناد را قبلاً استاد فراگنر منتشر کرده بود (صص بیست و پنج و سی و سه)

بررسی مجموعهٔ اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی از زمان

جاندار (هرمان، سند ۸: صص ۹۲-۹۰)، سند ردیف ۴۵۰: باشقایه (هرمان، سند ۹: صص ۹۹-۹۷)، سند ردیف ۴۵۱: دارالملک سلطانیه (هرمان، سند ۱۰: صص ۱۰۳-۱۰۲)، سند ردیف ۴۵۴: بغداد (هرمان، سند ۱۲: صص ۱۱۲-۱۱۱)، سند ردیف ۴۵۹: اوجان (هرمان، سند ۱۴: صص ۱۲۰-۱۱۸)، سند ردیف ۴۶۴: دارالملک تبریز (هرمان، سند ۷: صص ۸۷-۸۴)، سند ردیف ۴۷۲: تبریز (هرمان، سند ۲۰: صص ۱۴۸-۱۴۶)، سند ردیف ۴۸۲: قراباغ (هرمان، سند ۲۵: صص ۱۶۳-۱۶۲)، در این میان، شیخ‌الحکمایی فقط «سه گنبدان» را ذیل «وابستگی مکانی» - که ظاهراً عنوانی کلی برای کلیه اماکن مندرج در سند است - ثبت نموده است. همین بررسی کوتاه نشان می‌دهد «اوجان» (هرمان، سند ۱۴: صص ۱۱۵-۱۱۳) منطقه بوده است اما شیخ‌الحکمایی در صفحه ۲۷۰ ذیل «نمایه اماکن»، «اوجان» را به عنوان قریه معرفی کرده است. به هر حال بی‌توجهی به این نکتهٔ سندشناسی، نمایهٔ فهرست او را از اطلاعات مهمی محروم کرده است. موضوع بعدی «اختلاف قرائت‌ها» است. استاد افشار در بخشی از نقد خود «قرائت پیشنهادی» هم داشته‌اند. اما هدف نگارنده صرفاً این است که نشان دهد هرمان و شیخ‌الحکمایی در قرائت کلمات تا چه حد با هم اختلاف نظر و سلیقه دارند. البته هرمان سعی کرده است با استفاده از همکاری دیگران و منابع تاریخی تا حد امکان تصحیح کم اشکالی ارائه دهد، آن هم با حفظ شکل اصلی کلمه. اما شیخ‌الحکمایی دربارهٔ روش عبور از کلمات بی‌نقطه و چالش‌های خط تعلیق چیزی بازگو نکرده است. ظاهراً تا حدی هم در اسامی دخل و تصرف داشته است. چنان‌که «دلشاد» را «دلشاد خاتون» (ردیف ۴۵۱)، «سلطان شجاع‌الدین اویس» را «سلطان حسین جلاپری» (ردیف ۴۸۱)، «سلطان حسین» را «سلطان حسین جلاپری» (ردیف ۵۰)، «چر من اعمال گرمود» را «چر گرمود» (ردیف ۴۹۲) ثبت کرده است.

همچنان‌که در بررسی این تعداد محدود سند - ۲۸ فرمان - مشخص شد، فهرست دو سند را با هم آمیخته است. با مراجعه به ذیل ردیف ۴۴۲ می‌توان این مورد خاص را ملاحظه نمود. حال آن که هرمان به درستی آن‌ها را مستقل در نظر گرفته و ارائه کرده است. (ر. ش: هرمان، صص ۷۴-۷۳ و صص ۸۰-۷۹) درخصوص طومار ردیف ۴۶۶ نیز حالت مشابهی وجود دارد. شیخ‌الحکمایی برای این طومار دو سند (الف و ب) معرفی کرده است. حال آن‌که هرمان متن سه سند را ارائه کرده است. (ر. ش: هرمان، صص ۶۳-۵۴)؛ سندی که شیخ‌الحکمایی می‌بایست آن را ۴۶۶ - ج معرفی می‌نمود. این سند، یرلیغی از احمد صاحب دیوان به تاریخ اواخر ربیع‌الاول ۶۹۲ است که محل صدور آن پول چغان است. (ر. ش: هرمان، صص ۶۰-۵۴) از این رو عجیب نیست که در نمایه‌ها هم مشخصات آن و اسامی مشابه آن وجود ندارد.

سوی امور مذکور در فهرست مزبور لغزش‌هایی هم وجود دارد. چنان‌که شیخ‌الحکمایی تاریخ تحریر سند ردیف ۴۴۵ را جمادی‌الاول ۷۵۲ ثبت کرده، اما هرمان به درستی، ۳ جمادی‌الاول ۷۵۴ استنساخ کرده (هرمان: صص ۱۴۲-۱۴۱)، شیخ‌الحکمایی تاریخ تحریر سند

ردیف ۴۶۶ - الف را ذی‌حجه ۶۰۰، اما هرمان به درستی، سلخ ذوالقعدة ۶۰۰ (هرمان: صص ۱۳۲)، شیخ‌الحکمایی تاریخ تحریر سند ردیف ۴۶۶ - ب را شعبان ۷۵۵، اما هرمان به درستی، (غره) رمضان ۷۵۵ (هرمان: صص ۱۳۲) استنساخ کرده است.

در قرائت برخی کلمات هم چنین لغزش‌هایی مشهود است. چنان‌که شیخ‌الحکمایی ذیل سند ردیف ۴۳۸ «[امیر] بایتمیش»، اما هرمان، به درستی، «بایتمش» استنساخ کرده (هرمان: صص ۴۶)، شیخ‌الحکمایی ذیل سند ردیف ۴۴۳ «برزین» و «... محمد جاده‌لانی»، اما هرمان «رزین» و «... محمد چاره‌بردی» (هرمان: صص ۱۳۰)، شیخ‌الحکمایی ذیل سند ردیف ۴۴۵ «دردخانی»، اما هرمان «دزدخانی» (هرمان: صص ۱۴۱)، شیخ‌الحکمایی ذیل سند ردیف ۴۴۹ «بذورکنان» و «باتیمور» و «بولاک»، اما هرمان «برورکنان»، «بایتمور»، و «تولاک(?)» (هرمان: صص ۹۰)، شیخ‌الحکمایی ذیل سند ردیف ۴۵۲ «درینلق»، اما هرمان «دزینلق» (هرمان: صص ۱۰۷)، شیخ‌الحکمایی ذیل سند ردیف ۴۶۰ «[امیر] تختمور»، اما هرمان، به درستی، «تجتتمور» (هرمان: صص ۱۲۴)، شیخ‌الحکمایی ذیل سند ردیف ۴۶۴ «سرح کاه»، «الغر» و «سکور(?)»، اما هرمان «سردگاه»، «الغیر» و «سنگور» (هرمان: صص ۸۵)، شیخ‌الحکمایی ذیل سند ردیف ۴۶۶ - الف، به درستی، «علق‌آباد»، اما هرمان «خلیف‌آباد» (هرمان: صص ۵۵)، شیخ‌الحکمایی ذیل سند ردیف ۴۷۲ «کلخران»، «کنزوانق»، «کوره‌دوان» و «چوراب»، اما هرمان، به درستی، «کلحران»، «کنزوانق»، «کوره‌دول» و «چوراب» (هرمان: صص ۱۴۷-۱۴۶)، شیخ‌الحکمایی ذیل سند ردیف ۴۷۷ «الجتای»، اما هرمان، به درستی، «اولجتای» (هرمان: صص ۱۵۷) استنساخ کرده است.

براساس فهرست شیخ‌الحکمایی می‌توان گفت: اسناد مورد استفادهٔ هرمان، امروز در بخش اسلامی موزه ملی ایران نگهداری می‌شوند. این اسناد در فهرست شیخ‌الحکمایی در حد فاصل صفحات ۱۱۳ الی ۱۲۶ معرفی شده‌اند. با وجود این توضیحات، این فهرست از آن‌جا که محتویات باقیمانده از مجموعهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی را برای اولین بار در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد، کاری قابل تقدیر و توجه است.

1. Gottfried Hermann, *Persische Urkunden der Mongolenzeit*, Documenta Iranica et Islamica 2, Herausgegeben von Monika Gronke, (Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2004), 205+ 115 pp.

با تشکر از آقای نادر مطلبی کاشانی که اصل کتاب را چند روزی به امانت دادند.

۲. ایرج افشار، «اسناد فارسی روزگار مغول»، فصلنامهٔ نامهٔ بهارستان، دفتر ۹ - ۱۰، (زمستان ۱۳۸۳)، صص ۳۶۶-۳۶۳.

۳. عمادالدین شیخ‌الحکمایی، «اسناد دیوانی بقعهٔ شیخ صفی»، یادگارها، یادنامهٔ دکتر عبدالحسین نوایی، به کوشش الهام ملک‌زاده، (تهران: نوگل، ۱۳۸۵)، صص ۳۲۲-۳۰۲.